

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی  
۲۸ جون ۲۰۲۲



استاد اکبر قریشی

## در کشور ما از (تره اصلی) کرده تره های سیاسی اخوانی زیادتر است



زمانی که هنوز امریکائی ها مستقیماً در کشور ما نمی توانست دخالت کند و بعد از کودتای ننگین ثور که پای امریکائی ها اول در خانه اخوانی ها در پاکستان باز شد و بی ناموسان اخوانی به مشوره «سی آی ای» دهقانان را مجبور به کشت تریاک ساختند، در دوران ما به جای تریاک دهقانان سبزیجات کشت می کردند که «تره» مانند بادرنگ و زردک یکی از سبزی های بود که خام خورده می شد. در آن زمان تره خوری بین جوانان در بیرون منزل و در بین خانواده ها مروج بود.

بزرگان و انسان های با درک وقتی می دیدند که از کدام جوان کاری خلافی سر زده که ضررش به خودش و به جامعه می رسید برایش می گفتند که (از تو کرده تره خوب است).

در بین عوام تره به معنی مجازی (پوده) به کار می رفت. بعد از قدرت گرفتن خلقی ها نوشتن «تره» در جراید که تمام جراید و مطبوعات در اختیار حزب شان قرار داشت به خاطر نام نابغه سرگینی «تره کی» ممنوع شده بود و به جای «تره» بادرنگ کلان می نوشتند.

در مجالس سیاسی در پهلوی «تره» ها که باعث بربادی جامعه و کشور ما شدند چک چکی ها و بوبت پاک ها و انسانهای سست عنصر نیز دیده می شد که «تره» ها را تشویق به خیانت و جنایت و وطنفروشی می کردند. فرق بین «تره» اصلی و تره های «پوده» در این است که دهقانان با فروش آن پول زحمت و آبله کف دست خود را پیدا می کردند مردم از خوردن آن لذت می بُردند.

«تره های سیاسی» یا همان تره های «پوده» مردمان دروغگو، عوام فریب، دزد، قاچاقبر بودند که وطن فروشی، خاک فروشی و بی ناموسی کردن را افتخار خود می دانستند و می دانند.

«تره اصلی» را با «تره» های سست عنصر اخوانی در تصویر بالا دیده می توانید.

در جمله «تره» های بی ناموس، وطنفروش و دزد پول های معارف افغانستان یکی از آنها «فاروق وردک» است که دعوت طالبان را لیبیک گفته تا آنچه از معارف اگر تا به حال باقیمانده باشد به طالبان تسلیم نماید.

«فاروق وردک» را به کابل یا فرستاده اند یا خودش نزد برادران خود آمده تا هر چه استاد خوشنام در معارف افغانستان بود آنها را به دست گروه وحشی طالبان تسلیم کند تا در نبود استادان و معلمان ملاها امور معارف را مانند مساجد پیش ببرند و از معارف و تعلیم تربیه چلی و انتحاری بیرون کنند و معارف را به حجره های مساجد که زنا و لواطت جزء لاینفک دروس اسلامی است تبدیل کنند. و در عوض وردک ها و سایرین خانه ها و پول های دزدی خود را منحصراً دستمزد اسلامی خود که حلال شرعی شود به دست بیاورند.

نوکران پاکستان آهسته آهسته برای حفظ جایگاه خود به طرف کابل روان هستند تا برای طالبان مشروعیت دهند و ضمناً از آنها تقدیر به عمل بیاورند که بستن دروازه های معارف و بستن دوایر دولتی کاری نا تمام ما بود که شما به بهترین وجه اسلامی انجام دادید زیرا خیل گرسنگان و بی سودان را می توان زودتر منقاد پنجابی ها ساخت.

طالبان اگر ادعا کنند که فرزندان همین آب و خاک هستند و نوکران پاکستان نیستند چرا به جای جوانان وطنپرست و زنان با شهامت ما «حامد کرزی، سلام رحیمی، گلبدین، عبدالله، فاروق وردک، دولت وزیر، الله گل مجاهد» را نه ترور و نه زندانی ساخته بلکه آنها را در بغل گرفته بر سر و روی کثیف و دستان خونآلود شان گل پاش می دهید.

اینها هاجنت های پاکستان و امریکا هستند لعنت به ریشه های بویناک شان، لعنت به شریعت اسلامی - پنجابی شان.

امروز افغانستان را به ماتم سرای دنیا تبدیل نموده اند در افغانستان نه اسلام نه دین وجود دارد به جز زنا کاری، لواطت ملا بالای طالب و لواطت طالب بالای طالب.

اینها وارثین بحق پنجابی ها هستند و میراث پنجابی های پاکستان را به ارث برده اند. این «تره» های اخوانی که امروز در بغل طالب خود را در امنیت می بینند در وقت نوکری برای امریکا از هیچ نوع بی ناموسی در حق مردم ما دریغ نکرده اند.

امروز طالبان از اینها مانند «مرده گاو» های سرچوک کابل استفاده می کنند. اینها حاضر هستند مانند سلام رحیمی، فاروق وردک، عبدالله لشمک و صدها بی ناموس دیگر مانند دوران جهاد شان که زنان بی پناه افغان را مانند سیاف و نماینده گلبدین امین کریم بالای عرب ها می فروختند باز هم بازار دوران جهاد خود را زیر دست طالبان گرم نگه دارند.